

جرم آن چیزی است که منافع طبقه یا گروه خاصی از افراد و نهادهای جامعه را به خطر می‌اندازد و سیاست‌گذاری‌های کیفری در راستای صیانت از منافع این گروه تأمین می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های برساخت‌گرایی، رویکرد انتقادی آن و ضرورت نادیده‌گرفتن و انکار کلیه پیش‌فرض‌های سیاسی، ذهنی و عقیدتی شخص در مواجهه با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تحلیل آن‌ها است. بر اساس این رویکرد، دیگر هیچ چیز بدیهی وجود نخواهد داشت. همچنین، ثبات مفهومی فاقد معنا خواهد بود. مطابق با این رویکرد، معانی الفاظ و مفاهیم کاربردی در علوم، همگی ساخته و پرداخته هم‌مونی غالبی است که تلاش می‌کند توده را در حصار برداشت‌های خود، اسیر سازد. هیچ چیز مفهوم ذاتی ندارد و ماهیت قابل‌اتکایی برای پدیده‌ها قابل‌تصور نخواهد بود.

ورود این رویکرد به عرصه علوم انسانی و اجتماعی، انقلابی شگرف پدید آورد. مفهومی تحت عنوان جرم، با چالش مشروعیت مواجه شد، دیگر نگاه مقدس‌مآبانه به امنیت نمی‌شد، اساساً حکمرانان و رژیم‌های سیاسی، غاصب تلقی شدند و حیات انسان‌ها، با بحران مواجه گردید. این پیامدها موجب شد که سیر پژوهش‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی، دیگر روال سابق را طی نکند و فقط به تحلیل انتقادی محتوا بپردازد.

مطابق با این دسته از نظریات، جرم سیاسی نیز همان ساخته‌ای است که جریان غالب برای صیانت از منافع طبقه حاکم، به بار آورده است. از یک سو، اعمال سیاست‌های ارفاقی در خصوص این دسته از جرایم فقط برای حمایت از کنشگرانی است که در قلمرو رژیم سیاسی فعالیت‌های اصلاحی انجام می‌دهند و بنای حکمران، استفاده از این افراد است. اما از سوی دیگر، آن دسته از مجرمان سیاسی که بر اساس امیال و اهداف باند قدرت و ثروت در جامعه عمل نکند، امکان انتساب عنوان مجرمانه سیاسی بر آنان محال خواهد بود. بر اساس این رویکرد، دیگر امنیت به مثابه یک «ارزش» قابل‌حمایت کیفری، شناخته نشد، بلکه این مفهوم یک ابزاری بود در راستای صیانت از منافع قدرت و هر کجا که منافع و امتیازات اقتضا کند، این مفهوم

۹۹ برخی از جرایم عمومی که مرتکب این جرایم دارای انگیزه خاصی برای ارتکاب باشد، جرم سیاسی تلقی خواهد شد. بنابراین، جرم سیاسی پذیرفته شده در کشور، عنوان مجرمانه مستقل نیست، بلکه فقط وصفی است که بر روی برخی عناوین مجرمانه قرار خواهد گرفت. مطابق با این قانون، اتصاف وصف سیاسی نسبت به مجرمان، موجب کاهش یا تخفیف مجازات آنان نخواهد بود، بلکه فقط از برخی مزایا نسبت به مجرمان دیگر برخوردار خواهد شد. ۶۶

نیز حضور خواهد داشت.

۶. برآمد (جرم سیاسی در سیاست‌گذاری کیفری ایران)

اگر چه غالب تحولات نظری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، در قلمرو کشورهای اروپایی و امریکایی رخ داد و بعدها مرز استرالیا و آفریقا را درنوردید، اما کشورهای آسیایی نظیر ایران، چندان تحت تأثیر این نظریات نبودند و بیشتر طبق اصول سنتی حاکم برگزیده رژیم سیاسی، عمل می‌کردند. البته زایش مفهومی چون حقوق بشر، جرم سیاسی را به یک دگم بین‌المللی تبدیل کرد. از این رو، در قوانین اساسی ایران، چه در دوره مشروطه و چه در دوره جمهوری اسلامی ایران، مفهوم جرم سیاسی به رسمیت شناخته شد. اما وقفه‌ای بیش از صد سال پدید آمد تا بت آن شکسته شود. در اوایل دهه هشتاد شمسی، اولین تلاش‌ها برای تصویب قانون جرم سیاسی و اجرایی کردن اصل ۱۶۸ قانون اساسی، آغاز شد. به دلیل وجود نگاه‌های ایدئولوژیک در کشور، این تلاش‌ها به سرانجام نرسید.

سرانجام در اثر تلاش‌های حقوق‌دانان و اندیشمندان، قانون جرم سیاسی در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید. در این قانون، تنها تعداد معدودی از رفتارهای مجرمانه را که دارای مجازات‌های سبک و نسبتاً سبک هستند، مشمول عنوان سیاسی قرار داده است. به عبارت

دیگر، برخی از جرایم عمومی که مرتکب این جرایم دارای انگیزه خاصی برای ارتکاب باشد، جرم سیاسی تلقی خواهد شد. بنابراین، جرم سیاسی پذیرفته شده در کشور، عنوان مجرمانه مستقل نیست، بلکه فقط وصفی است که بر روی برخی عناوین مجرمانه قرار خواهد گرفت. مطابق با این قانون، اتصاف وصف سیاسی نسبت به مجرمان، موجب کاهش یا تخفیف مجازات آنان نخواهد بود، بلکه فقط از برخی مزایا نسبت به مجرمان دیگر برخوردار خواهد شد. این مزایا عبارت‌اند از:

الف) مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی

ب) ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس

پ) ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم

ت) غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی

ث) ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت

انفرادی به جز در مواردی که مقام قضایی

بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل

تحقیقات ضروری بداند لکن در هر حال

مدت آن نباید بیش از پانزده روز باشد

ج) حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول

در طول مدت حبس

چ) حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و

تلویزیون در طول مدت حبس.

با وجود این دسته از ارفاق‌های ساده و

بسیار اندک که پس از سال‌ها تأخیر در کشور

مقرر شد، همچنان طبق اذعان مقامات قضایی

ایران، تاکنون هیچ شخصی با اتهام سیاسی

مورد محاکمه قرار نگرفت و تاکنون، هیچ

مجرم سیاسی در کشور شناخته نشده است.

علت این امر را می‌توان در رویکردهای سنتی

سیاست‌گذاران به مفاهیمی چون امنیت و نظام

سیاسی مبنی بر تقدس و ضرورت ذاتی آن‌ها،

جست و جو کرد.

البته آسیب‌شناسی این پدیده در ایران

از مجال این نوشتار خارج است، ولی ناگفته

پیداست تحول نظری جرم‌شناسی تأثیر چندانی

بر الگوها و اقدامات سیاست‌گذاری در کشور

نداشته است. البته رویکردهای برساخت‌گرا و

جریانات انتقادی می‌تواند در اصلاح و تعدیل

رویکردهای آینده مؤثر باشد.